

منطقه‌گرایی در عصر جهانی شدن مطالعه موردی: سازمان منطقه‌ای گوآم

زهرا پیشگاهی فرد*

دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

حجت مهکویی

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی و مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی علوم پزشکی شیراز

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۱/۲۸ - ۱۳۹۱/۳/۸)

چکیده

اتحاد و پیوند منطقه‌ای میان کشورها، امروزه به یکی از نگرانی‌های اصلی میان دولت‌ها تبدیل شده است. در عصر جهانی شدن در مناطق گوناگون جهان، گروه‌بندی‌های منطقه‌ای شکل گرفته است. مناطق گوناگون جهان با درک اهمیت موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک خود، دارای سازه‌های منطقه‌ای با درجه‌های متفاوت منطقه‌گرایی هستند. یکی از مناطق ژئوپلیتیکی که عرصه رقابت میان ابرقدرت‌ها (آمریکا و روسیه) است منطقه ژئوپلیتیکی قفقاز است که همواره دو ابرقدرت خود را در این منطقه دارای منافع می‌دانند و به شکلی در این منطقه حضور دارند. کشورهای این منطقه که با چالش‌های ارضی، مرزی و خودمختاری روبرو هستند، در قالب سازمان منطقه‌ای گوآم به دنبال دستیابی به یک گروه‌بندی منطقه‌ای هستند. در واقع به دلیل مصلحت آمیز بودن نیروهای مشترک در صحنه‌های بین‌المللی و با هدف حل یا جلوگیری از مشکلات منطقه‌ای گرجستان، اوکراین، جمهوری آذربایجان و مولداوی سازمان منطقه‌ای گوآم را در سال ۱۹۹۷ تأسیس کردند.

کلید واژه‌ها

منطقه‌گرایی، جهانی شدن، قفقاز جنوبی، گوآم، گرجستان، اوکراین، جمهوری آذربایجان، مولداوی،

ازبکستان

* Email: sorour1334@yahoo.com

مقدمه

نقش عوامل جغرافیایی در ایجاد و گرایش کشورها در پیوند منطقه‌ای تأثیرگذار و تعیین‌کننده است. کشورها با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک خود، در دستیابی به یک پیوند و اتحاد منطقه‌ای آسان‌تر و بهتر خواهند توانست به یک درک مشترک در تأسیس سازمان منطقه‌ای برسند. بنابراین محیط جغرافیایی زیربنای گروه‌بندی‌ها و همگرایی‌هایی منطقه‌ای است. در نظریه‌های ژئوپلیتیک اعتقاد بر این است که کشورهای دارای تقارن جغرافیایی، بیشتر مناطق ارتباط سیاسی دو جانبه و چند جانبه را شکل می‌دهند و سیاست خارجی آنها به شدت از همدیگر تأثیر می‌پذیرد. هر چه این تقارن جغرافیایی بیشتر باشد؛ بنابر نوع رابطه متقابل و همانندی‌های سیاسی و فرهنگی و هم‌تکمیلی اقتصادی، انتظار همگرایی بین آنها می‌رود.

در بعضی از این سازه‌های منطقه‌ای، قطب‌های قدرت درون منطقه‌ای از انسجام لازم برخوردار نیستند، در نتیجه زمینه برای اثرگذاری قطب‌های قدرت برون منطقه‌ای فراهم می‌شود. رابطه محیط با قدرت و سیاست در این نکته نهفته است که یک قدرت و دولت در یک مکان جغرافیایی خاص تا چه حد در زمان خاصی توانایی انتقال، استفاده و کاربرد بهینه از قدرت را دارد. در یک منطقه جغرافیایی، اهمیت ژئوپلیتیکی آن، قدرت‌های بزرگ جهان را مجبور به رقابت در آن منطقه می‌کند و در فرایندهای همگرایی منطقه، مشکلاتی ایجاد می‌کند. اما اگر منطقه‌ای اهمیت ژئوپلیتیکی نداشته باشد یا میزان اهمیت ژئوپلیتیک آن در مقایسه با سایر مناطق کمتر باشد و یا تضاد منافع قدرت‌های بزرگ قابل توجه نباشد، قدرت‌های بزرگ کمتر در آن منطقه دچار اصطکاک منافع می‌شوند (امیدی، ۱۳۸۵، صص ۱۲۵-۱۲۳).

در عصر جهانی شدن، منطقه‌گرایی نمودهای بیشتری یافته است و سازمان‌های منطقه‌ای در بیشتر مناطق ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک جهان شکل گرفته‌اند. در هزاره سوم، آهنگ جهانی شدن سریع‌تر از گذشته در مسیر یکپارچگی دنیا در حرکت است و اقتصادهای ملی برای بقا و آمادگی در رقابت جهانی به گروه‌بندی‌های منطقه‌ای پناه آورده‌اند. از آنجا که کشورهای جهان به تنهایی همه عوامل تولید را در اختیار ندارند، بنابراین کشورها با هدف دستیابی به آرمان‌هایی که بدون همکاری جمعی امکان‌پذیر نیست، تلاش می‌کنند با تشکیل

سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای موجب رونق اقتصادی خود و تکمیل چرخه تولید در یک منطقه جغرافیایی شوند (امیدی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۵).

سؤال اصلی مقاله این است که آیا در عصر جهانی شدن، سازمان منطقه‌ای گوآم توانسته است در منطقه قفقاز نقش مؤثری در بهبود و بکار گرفتن سیاست مناسبی در پیوند با کشورهای این منطقه و اوراسیا ایفا کند؟

بر این اساس فرضیه مقاله بر این استوار است که در عصر جهانی شدن در منطقه قفقاز، کشورهای عضو سازمان منطقه‌ای گوآم در قالب این سازمان نتوانسته‌اند نقش مؤثری در بهبود و بکار بردن سیاست مناسبی در پیوند میان خودشان در منطقه قفقاز و اوراسیا داشته باشند و وضعیت اقتصادی و سیاسی آنها چندان مطلوب به نظر نمی‌رسد.

مبانی نظری: منطقه‌گرایی و جهانی شدن

زیرساخت اصلی برای ایجاد و تشکیل یک سازمان منطقه‌ای و گرایش به منطقه‌گرایی، عامل جغرافیایی است. سطح اول یا مرحله شروع شکل‌گیری نظام منطقه‌ای مستلزم وجود یک منطقه و قلمرو جغرافیایی ویژه و به عبارتی فضای جغرافیایی متفاوت و به نسبت متجانس و هم‌وزن است. فضا یا منطقه جغرافیایی بر اساس خصوصیت‌های مشترک طبیعی یا انسانی از مناطق دیگر متفاوت می‌شود. به عبارتی، دولت‌ها و کشورهای موجود در یک فضا یا منطقه جغرافیایی در تمام یا پاره‌ای از ویژگی‌های طبیعی، انسانی یا ادراکی با یکدیگر اشتراک داشته یا تحت شرایطی به آن می‌رسند. ویژگی‌های مشترک جغرافیایی زیرساخت رفتارهای همگرایی منطقه‌ای را تشکیل می‌دهد و بر عکس، ویژگی‌های متفاوت جغرافیایی زیرساخت رفتارهای واگرایی در بین دولت‌ها را به وجود می‌آورد (حافظ‌نیا و کاویانی‌راد، ۱۳۸۳، صص ۷۵-۷۴).

یکی از مواردی که در ارتباط با منطقه‌گرایی باید توجه کرد، مفاهیم گروه‌بندی منطقه‌ای و همگرایی منطقه‌ای است. بی‌تردید گاه در فرهنگ سیاسی فارسی پیش می‌آید که دو اصطلاح یا دو مفهوم جدید گروه‌بندی منطقه‌ای و همگرایی منطقه‌ای برابر و یکی فرض می‌شود و این دو اصطلاح، بدون ضابطه خاصی به جای هم مورد استفاده قرار می‌گیرد. باید توجه شود که هر یک از این دو اصطلاح گویای مفهوم ویژه‌ای است. درحالی که گروه‌بندی منطقه‌ای به معنی گردهم آمدن شماری از کشورها در مناطق گوناگون جهان برای ایجاد یک نظام ژئوپلیتیک منطقه‌ای

است؛ همگرایی منطقه‌ای به معنی درهم آمیزی اقتصادی، سیاسی و راهبردی کشورها در منطقه ویژه‌ای برای پدید آوردن یک نظام منطقه‌ای یکپارچه است. به این ترتیب، منطقه‌گرایی در نظام شکل‌گیرنده ژئوپلیتیک جهانی سرآغاز قرن بیست و یکم، دوگانه است: همگرایی منطقه‌ای مانند اتحادیه اروپا و گروه‌بندی منطقه‌ای مانند آ.سه.آن و نفتا (مجتهدزاده، ۱۳۸۱، صص ۲۰۵ - ۲۰۴).

امروزه سازمان‌های منطقه‌ای در عصر جهانی شدن دارای کارکردها و ساختارهای متفاوتی هستند. در واقع با روند رو به رشد گرایش کشورها به سوی جهانی شدن، مناطق مختلف جهان متأثر از جهانی شدن نیز دگرگون و متحول شده‌اند. امروزه جهانی شدن به بحث رایج و گفتمان مسلط در میان مردم تبدیل شده است. روزنامه‌نگاران، سیاستمداران، بازرگانان، دانشگاهیان و دیگران به بحث‌های مهم در مورد جهانی شدن می‌پردازند تا این پیام را بدهند که مسائل اساسی در حال وقوع است، جهان ما را تغییر داده و نظم اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جدیدی به وجود خواهد آورد (میرحیدر و حیدری‌فر، ۱۳۸۵، ص ۵). جهانی شدن در حوزه سیاست نیز مانند عرصه اقتصاد جهانی تأثیرهای شگرفی برجای گذاشته است. سازمان‌های بین‌المللی و فراملیتی قوانین، مقررات و سازوکارهای بین‌المللی به کمک فناوری‌های جدید ارتباطی و اطلاعاتی به‌ویژه از دهه ۱۹۸۰ با سرعتی قابل توجه گسترش یافته‌اند؛ به‌شکلی که در آغاز قرن بیستم تنها ۳۷ سازمان دولتی بین‌المللی و ۱۷۶ سازمان غیر دولتی بین‌المللی وجود داشت که در سال ۲۰۰۰ تعداد آنها به ترتیب به ۹۷۴۳ و ۴۷۰۹۸ مورد رسیده است.

افزون بر آن تعداد عهدنامه‌های بین‌المللی نافذ و دارای اعتبار نیز رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است. در نتیجه حدود یک سده (دوره بین سال‌های ۱۶۴۸-۱۷۵۰) تعداد ۸۶ عهدنامه چند جانبه، در طی فقط ۲۰ سال منتهی به سال ۱۹۹۵ به بیش از ۱۶۰۰ عهدنامه رسیده است که ۱۰۰ مورد آن را سازمان‌های بین‌المللی تدوین کرده‌اند. در اواسط قرن نوزدهم در هر سال ۲ تا ۳ همایش و گردهمایی بین‌المللی برگزار می‌شد که تعداد آنها امروزه به بیش از ۴۰۰۰ مورد در سال می‌رسد (جوان و عبدالمهی، ۱۳۸۵، ص ۷۶). در حقیقت می‌توان این‌گونه بیان کرد که ماهیت خاص دوره جهانی شدن چنین است که حتی کمترین ظرفیت موجود برای برقراری ارتباط با کشورهای دیگر، اثری مثبت بر تصویر بین‌المللی آن کشور دارد (Muzaffarli, 2008, p. 16).

منطقه قفقاز جنوبی

منطقه قفقاز به‌عنوان یکی از مناطق ژئوپلیتیک جهان همواره مورد توجه قدرت‌های جهان -آمریکا و روسیه- است. کشورهای این منطقه با چالش‌ها و مشکلات ارضی، مرزی و خودمختاری برخی ایالت‌ها روبرو هستند. علاوه بر عوامل تاریخی و روانی، نگرانی‌های اصلی در منطقه بالکان، جنوب شرق اروپا و قفقاز، بیشتر ارضی است. در قفقاز، ارامنه ارتدکس با مسلمانان جمهوری آذربایجان در جنگ بودند که بیشتر بر سر موضوع جدید پیوستن ناگورنو قره‌باغ است. از این رو اختلاف ارمنستان و جمهوری آذربایجان بیشتر ارضی است تا مذهبی، درست مانند سایر اختلاف‌های ارضی در منطقه قفقاز، به‌ویژه جنگ‌هایی که در گرجستان رخ داد که معمولاً بین مسیحیان (آبخازی‌ها و اوستی‌ها) بود، تا بین مسلمانان و مسیحیان (عزتی، ۱۳۷۸، صص ۲۵۹-۲۵۸).

این منطقه در محدوده‌ای به وسعت ۴۰۰ هزار کیلومتر مربع بین غرب دریای خزر و شرق دریای سیاه و در همسایگی شمال غرب جمهوری اسلامی ایران و شمال شرق ترکیه واقع شده و رشته کوه‌های قفقاز بزرگ به طول ۱۲۰۰ کیلومتر در جهت شمال غربی از شبه جزیره تامان در تنگه کرچ و جنوب شرقی تا شبه جزیره آبشوران در غرب دریای خزر (در شرق جمهوری آذربایجان) کشیده شده است. این منطقه بخشی از سرحدات روسیه را تشکیل می‌دهد؛ به‌همین سبب هم در دوره تزار و هم در دوره حکومت اتحاد شوروی این منطقه به‌سبب ویژگی‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی اهمیت خاصی داشته است (امیراحمدیان، ۱۳۸۳، صص ۱۴۴-۱۴۵).

این منطقه که از دیرباز سکونتگاه گروه‌های مختلف قومی و مذهبی بوده است، پس از فروپاشی اتحاد شوروی به عرصه ظهور و تقویت گرایش‌های ملی‌گرایانه و تشدید اختلاف‌های منطقه‌ای تبدیل شد. قفقاز در مقایسه با آسیای مرکزی به استثنای قزاقستان برای روسیه اولویت بیشتری دارد (کولایی، ۱۳۸۹، ص ۸۰). با وجود این مسائل، در صورت استفاده از منطق جغرافیای سیاسی در معادلات منطقه، می‌توان تهدیدهای موجود را به فرصت تبدیل کرد. با توجه به این موضوع که این منطقه در مسیر ارتباطی شمال- جنوب و غرب- شرق قرار دارد؛ مرز تلاقی دو تمدن بزرگ اسلامی و مسیحی و دروازه ورودی قدرت‌های بزرگ به منطقه آسیای مرکزی است (قلی‌زاده و الله‌وردی‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۶۳). قفقاز از مناطق نفت‌خیز اتحاد شوروی است که در آن جمهوری آذربایجان بیشترین منابع نفت را دارد. اگرچه سهم

قفقاز در منابع نفت و گاز جهان چندان قابل توجه نیست؛ اما با وجود هر گونه ناامنی در امنیت خلیج فارس، این منطقه (قفقاز) در صورت امکان استفاده روسیه از انرژی، به عنوان ابزار قدرت‌نمایی برای روسیه در خواهد آمد (احمدیان و غلامی، ۱۳۳۸، ص ۷)، همان گونه که روسیه حوزه خزر و منطقه قفقاز را بخشی از قلمرو منافع حیاتی خود برآورد کرده است (کولایی، ۱۳۸۷، ص ۶۵).

شکل‌گیری و تأسیس سازمان منطقه‌ای گوآم

سازمان منطقه‌ای گوآم متشکل از چهار کشور گرجستان، اوکراین، جمهوری آذربایجان و مولداوی است که همگی از جمهوری‌های اتحاد شوروی هستند و در منطقه قفقاز و جنوب غرب فدراسیون روسیه قرار دارند. در سال ۱۹۹۷ رهبران این چهار کشور تازه استقلال‌یافته در نشستی در حاشیه نشست سران شورای اروپا در استراسبورگ فرانسه، با صدور بیانیه‌ای تصمیم و توافق خود را مبنی بر ایجاد یک سازمان همکاری منطقه‌ای به نام «گوآم» اعلام کردند. واژه گوآم ترکیبی از حروف اول چهار کشور گرجستان، اوکراین، جمهوری آذربایجان و مولداوی بر اساس ترتیب حروف الفبای روسی است. در سال ۱۹۹۹ جمهوری ازبکستان نیز به عضویت این سازمان در آمد و با این اقدام، گوآم حوزه جغرافیایی خود را به شرق دریای خزر یعنی آسیای مرکزی هم گسترش داد. اما عضویت این کشور چندان پایدار نبود و این کشور به‌ظاهر به علت آشکار شدن هرچه بیشتر ماهیت این سازمان از یک سو و دخالت مستقیم آمریکا به‌عنوان حامی گوآم در بروز انقلاب‌های رنگی از سوی دیگر، که تاشکند را هم در سال ۲۰۰۵ تا آستانه انقلاب رنگی پیش برد، از آن خارج شد و به‌صورت رسمی در همین سال جدایی خود را از گوآم اعلام کرد (Guluzade, 2006, p. 64).

به‌دنبال نشست‌های پراکنده‌ای که مقام‌های کشورهای عضو گوآم از سال تأسیس آن در سال ۱۹۹۷ به بعد داشته‌اند، در ماه مه ۲۰۰۶ اولین نشست سران چهار کشور عضو در شهر کیف برگزار شد. در این نشست افزون بر رهبران گرجستان، اوکراین، جمهوری آذربایجان و مولداوی مقام‌های برخی دیگر از کشورها، به‌ویژه چند کشور شرق اروپا از جمله لهستان، رومانی و بلغارستان و همچنین نمایندگانی از سایر سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی حضور داشتند. در ۱۹ ژوئن ۲۰۰۷ دومین نشست سران کشورهای عضو گوآم در باکو پایتخت

جمهوری آذربایجان برگزار شد که علاوه بر رهبران کشورهای عضو، رؤسا و مقام‌های شش کشور اروپایی (لهستان، رومانی، بلغارستان، لیتوانی، لتونی و استونی)، گروه‌های نمایندگی آمریکا و ژاپن و نیز نمایندگانی از برخی مجامع و سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل، پارلمان اروپا، سازمان امنیت و همکاری اروپا نیز در آن شرکت کردند، به‌صورتی که مجموع تعداد گروه‌های نمایندگی حاضر در نشست بنابر گزارش رسانه‌های باکو (محل برگزاری نشست) به حدود سی گروه و نمایندگی رسید.

دبیرخانه دائمی این سازمان بنابر توافق اعضا در کی‌یف، مرکز اوکراین واقع شده است. عنوان این تشکیلات از سازمان همکاری‌های منطقه‌ای گوآم در ابتدای تأسیس به «سازمان توسعه مردم‌سالاری و اقتصادی گوآم» تغییر یافته است و درحال حاضر با این اسم و عنوان معرفی و شناخته می‌شود (گزارش عملکرد سازمان منطقه‌ای گوآم، ۱۳۸۶، ص ۱۶).

وضعیت آزادی سیاسی و دموکراسی در کشورهای عضو گوآم

با وجود تفاوت‌های آشکار در سیستم‌های سیاسی، به‌خصوص در تعادل بین شاخه‌های قانونی و اجرایی قدرت، همه کشورهای عضو گوآم دارای نظام جمهوری هستند. بعد از استقلال دوباره هر ۴ کشور ساختار کشور مردم‌سالار را به‌عنوان هدف نهایی سیاست رسمی خود اعلام کردند. با وجود اینکه نظام‌های سیاسی کشورهای عضو گوآم، کاملاً به‌هم نزدیک هستند، ولی در قالب بعضی از شاخص‌های سطوح توسعه مردم‌سالار، آنها به‌شکل بارزی متفاوت هستند. این تفاوت، آشکارا در مطالعات مقایسه‌ای میان کشورها قابل مشاهده است. یکی از معروف‌ترین مطالعات از این نوع، گزارش سالانه منتشر شده توسط خانه آزادی شهروندی است که در آن سطح مردم‌سالاری در کشورهای گوناگون بر اساس میزان حمایت آنها از حقوق سیاسی و آزادی شهروندی تعیین می‌شود. مجموع امتیازهای مردم‌سالاری از یک کشور خاص به‌عنوان یک میانگین ارزش بر اساس دسته‌بندی‌های زیر است:

۱. فرایند انتخابات (EP)، ۲. جامعه شهری (CS)، ۳. رسانه‌های مستقل (IM)، ۴. دولت دمکراتیک: دولت ملی (NGOV)، دولت محلی (LGOV)، ۵. استقلال و چارچوب قضایی (HFI)، ۶. فساد (CO).

برای هر کدام از این شاخص‌های مردم‌سالاری، کشورها در یک معیار ۷ امتیازی رتبه‌بندی می‌شوند. هرچه رتبه بالاتر باشد، سطح آزادی کمتر است. تغییر در رتبه کشورها به نوع رویدادها و فرایندهایی (مثبت و منفی) که در آن کشور در طول دوره تحت بررسی اتفاق می‌افتد، بستگی دارد و رتبه‌بندی قبل را به‌عنوان یک پایه محاسبه در نظر می‌گیرند. کشورهایی با میانگین امتیاز ۱ تا ۲/۵ آزاد تلقی می‌شوند. امتیازهای ۳ تا ۵ آزاد و بین ۵/۵ تا ۷ آزاد نیستند. بنابر امتیاز آن کشورها و نوع رژیم‌های سیاسی طبقه‌بندی می‌شوند: (امتیاز مردم‌سالاری ۱ تا ۲)، مردم‌سالاری امتیاز ۳، دولت‌های موقت یا رژیم‌های دو حکومتی امتیاز ۴، کشورهای دیکتاتور به نسبت یکپارچه، امتیاز ۵ و رژیم‌های کاملاً دیکتاتور امتیاز ۶ تا ۷ را دارند (Gasannov, 2007, p. 51). همچنین باید توجه کرد که خانه آزادی فعالیت‌های دولتی را در زمینه حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی، ارزیابی نمی‌کند. اما سطوح واقعی آن را تخمین می‌زند زیرا آزادی نه تنها به وسیله تصمیم‌ها و فعالیت‌های مؤسسه‌های دولتی بلکه توسط فعالان غیر دولتی مانند تروریست‌ها، یا سایر گروه‌های مسلح نیز محدود می‌شود. از این رو خانه آزادی قوانین را مساوی قرار نمی‌دهد. این قوانین شامل، قانون اساسی، تضمین مردم‌سالاری با سازوکارهای خود است، اما هر دو جنبه حقیقی و رسمی مسئله را مورد محاسبه قرار می‌دهد.

گزارش سال ۲۰۰۷ دوره‌ای را از ژانویه تا ۳۱ دسامبر سال ۲۰۰۶ پوشش داده که در جدول شماره ۱ آمده است. این جدول میزان و نمره نهایی مردم‌سالاری که منعکس کننده سطح توسعه مردم‌سالار در گوآم و کشورهای یورسک^۱ است را نشان می‌دهد. همچنین نشانگر میانگین این ارتباط‌های درون کشوری نیز هست. یورسک در سال ۲۰۰۰ توسط ۵ کشور روسیه سفید، قزاقستان، قرقیزستان، روسیه و تاجیکستان تأسیس شد. بعدها ازبکستان نیز به آنها پیوست. سرانجام گوآم و یورسک دو نهاد بین‌المللی مهم هستند که در قلمرو مرزهای اتحاد شوروی تأسیس شده‌اند. از این رو این محاسبه‌ها با اشتیاق دنبال می‌شود (گزارش عملکرد سازمان منطقه‌ای گوآم، ۱۳۸۶، ص ۲۶).

یک نگاه دقیق‌تر به میانگین گوآم، نشان می‌دهد که کشورهای عضو، بیشترین پیشرفت را در توسعه اجتماعی و متمدن بودن با امتیاز ۳/۸ دارند و کمترین پیشرفت را در مبارزه با فساد

جمهوری آذربایجان	۶/۵	۵/۲۵	۶/۲۵	۶	۶	۵/۷۵	۶/۲۵	۶	آزاد نیست	دیکتاتوری
گرجستان	۴/۵	۳/۵	۴	۵/۵	۵/۵	۴/۷۵	۵	۴/۶۸	نسبتاً آزاد	نسبتاً دیکتاتوری
مولداوی	۳/۷۵	۳/۷۵	۵/۲۵	۵/۷۵	۵/۷۵	۴/۵	۶	۴/۹۶	نسبتاً آزاد	نسبتاً دیکتاتوری
اوکراین	۳	۲/۷۵	۳/۷۵	۳/۷۵	۵/۲۵	۴/۵	۵/۷۵	۴/۲۵	نسبتاً آزاد	نسبتاً دیکتاتوری
مجموع گوآم	۴/۴۴	۳/۸۱	۴/۸۱	۵/۵	۵/۶۳	۴/۸۸	۵/۷۵	۴/۹۷	-	-
روسیه سفید	۷	۶/۵	۶/۷۵	۷	۶/۵	۶/۷۵	۶/۲۵	۶/۶۸	آزاد نیست	دیکتاتوری
قزاقستان	۶/۵	۵/۷۵	۶/۷۵	۶/۷۵	۶/۲۵	۶/۲۵	۶/۵	۶/۳۹	آزاد نیست	دیکتاتوری
قرقیزستان	۵/۷۵	۴/۵	۵/۷۵	۶	۵/۵	۵/۵	۶	۵/۶۸	آزاد نیست	دیکتاتوری
روسیه	۶/۵	۵/۲۵	۶/۲۵	۶	۵/۲۵	۵/۲۵	۶	۵/۶۸	آزاد نیست	دیکتاتوری
تاجیکستان	۶/۵	۵	۶/۲۵	۶/۲۵	۵/۷۵	۵/۷۵	۶/۲۵	۵/۹۶	آزاد نیست	دیکتاتوری
ازبکستان	۶/۷۵	۷	۷	۷	۶/۷۵	۶/۷۵	۶/۵	۶/۸۲	آزاد نیست	دیکتاتوری
مجموع یورسک	۶/۵	۵/۶۷	۶/۴۶	۶/۵	۶/۰۴	۶/۲۵	۶/۲۵	۶/۲۳	-	-

Source: [http://www.Freedomhouse.hu/images/fdh_galleries\(2006\)](http://www.Freedomhouse.hu/images/fdh_galleries(2006)), (accessed on 6/7/2009).

وضعیت اقتصادی و ارتباطهای تجاری میان کشورهای عضو گوآم در منطقه

قفقاز

شاخص اقتصادی در میان شرایط اولیه برای ثبات ژئوپلیتیکی، رتبه و جایگاه بالایی دارد. در میان کشورهای عضو سازمان منطقه‌ای گوآم یا هر اتحاد منطقه‌ای دیگر، شاخص‌های اقتصادی بین کشورها می‌تواند به‌عنوان رتبه دوم بعد از منافع مشترک سیاسی در نظر گرفته

شود. وابستگی متقابل اقتصادی کشورهای عضو گوآم، ریشه در تاریخ مشترک آنها دارد. برای مدتی طولانی، این کشورها بخشی از اتحاد شوروی بودند و پس از فروپاشی اتحاد شوروی، کشورهای دیگر و کشورهای عضو گوآم از آن جدا شدند. یک فضای واحد اقتصادی با اقتصاد کاملاً درهم تنیده شده در این اتحاد وجود داشت. افزون بر آن اقتصاد اتحاد شوروی یک اقتصاد کاملاً بسته بود و آنها روابط بین‌المللی اقتصادی در چارچوب فدراسیون روسیه داشتند. ارتباط با جهان از سوی ایالت‌های اتحاد شوروی، بسته و محدود بود. به صورت کلی فرض می‌شود که دلایل اختلال در روابط همکاری میان جمهوری‌های اتحاد شوروی و اتحاد میان آنها از ماهیت سیاسی و سطح پایین روابط بوده است که باعث فروپاشی اتحاد شوروی شد. در واقع بی‌خردی در روابط اقتصادی میان شرکت‌های فناوری اطلاعات و مناطق و ایالت‌ها نسبت به یکدیگر از دلایل اصلی بوده است. در میان کشورهای عضو گوآم، گرجستان و مولداوی نسبت به دیگر جمهوری‌ها، حجم تجارت بیشتری داشته‌اند. تولید ناخالص گرجستان، مولداوی و جمهوری آذربایجان در دهه ۱۹۹۰ به دلیل جنگ، رکود داشته است. از طرف دیگر در میان تمام کشورهای هم‌سود، در میانه دهه ۱۹۹۰ رکود اقتصادی به دلیل ظرفیت صنعتی که از سوی اتحاد شوروی برای آنها باقی مانده بود، پایین بوده است (Sergeev, 2007, p. 142).

با توجه به آمار ارائه شده از سوی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۶، جمهوری آذربایجان وارد دوران بهبود اقتصادی شد. به‌ویژه از سال ۲۰۰۳ میلادی هنگامی که بر اساس راهبرد نفتی جدید، کشور شروع به تولید زیاد کرد. در سال ۲۰۰۵ تولید ناخالص داخلی به دلیل افزایش دو برابری قیمت‌ها نسبت به سال ۱۹۹۰ افزایش داشته است. برای مثال در سال ۲۰۰۵ میلادی تولید ناخالص داخلی اوکراین ۹۰/۵ درصد، گرجستان ۷۶/۱ درصد و مولداوی ۷۳/۵ درصد افزایش داشته است. با این وجود در سال‌های اخیر کشورهای عضو گوآم نشان داده‌اند که دارای نرخ بالای رشد اقتصادی بوده‌اند. در میان سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۰۰ میلادی بر اساس آمار کمیته کشورهای مستقل هم‌سود، تولید ناخالص داخلی در جمهوری آذربایجان بیش از ۲/۵ برابر افزایش داشته است که این رقم در اوکراین ۵۵ درصد، در گرجستان ۵۶ درصد و در مولداوی ۴۶ درصد بوده است. در این سه کشور نرخ رشد تولید ناخالص داخلی بالاتر از کشورهای مستقل هم‌سود بوده است. این نرخ رشد در جمهوری آذربایجان در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ به ترتیب ۲۶/۴ درصد و ۳۴/۵ درصد بوده که رشد بی‌سابقه‌ای اعلام شده است و

برای اولین بار در رتبه‌بندی جهانی قرار گرفته است. کارشناسان عقیده دارند که روابط اقتصادی این کشورها، امروزه بیش از هر چیز تحت تأثیر روابط اقتصادی با روسیه است. تعاملات تجاری میان کشورهای عضو گوآم با یکدیگر به نسبت زیاد نیست. برای مثال صادرات جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۰۶ ۶.۳۷۲/۲ میلیون دلار بوده است که ترکیه ۶/۱ درصد (۳۸۸/۱ میلیون دلار) و روسیه ۵/۴ درصد (۳۴۴.۳ میلیون دلار) را به خود اختصاص داده‌اند. در حالی که با گرجستان ۴/۵ درصد (۲۸۵.۳ میلیون دلار) و با اوکراین تنها ۶/۶ درصد (۳۸/۴ میلیون دلار) بوده است. سهم مولداوی با جمهوری آذربایجان در بخش صادرات ناچیز و نزدیک به صفر است. این موضوع بین گرجستان و مولداوی نیز درست است (جدول شماره ۳). روسیه و سایر کشورهای مستقل هم‌سود به‌عنوان بازار اصلی خارجی برای محصولات غیر نفتی جمهوری آذربایجان که بیشتر کشاورزی است، هستند. در سال ۲۰۰۶ صادرات جمهوری آذربایجان به کشورهای توسعه یافته اقتصادی، ۴.۴۵۴/۱ میلیون دلار رسیده بود که حدود ۷۰ درصد از کل صادرات بوده است. از جمله صادرات به کشورهای اتحادیه اروپا که ۳.۶۴۳/۳ میلیون دلار یا ۵۷/۳ درصد بوده است. با سیاست‌گذاری مناسب این جمهوری قادر خواهد بود که با تغییر مکان صادرات خود به اتحادیه اروپا، از نظر واردات ماشین‌آلات و تجهیزات در بخش‌های غیر نفتی، نوسازی شود و در سطح بین‌المللی رقابت‌های خود را افزایش دهد (Guluzade, 2006, p. 37).

به شکلی که می‌توان فرض کرد در سال‌های آینده سهم واردات جمهوری آذربایجان از روسیه به ۲۲/۴ درصد برسد که نسبت به سال ۲۰۰۶ کاهش خواهد داشت. یکی دیگر از کشورهای عضو سازمان گوآم، اوکراین است. در سال ۲۰۰۶، صادرات این کشور به کشورهای جمهوری آذربایجان، گرجستان و مولداوی به ترتیب، ۱/۱ درصد، ۸ درصد و ۱/۷ درصد از کل صادرات آن کشور بوده است. واردات آن به ترتیب ۱ درصد، ۲ درصد و ۳ درصد بوده است. این موضوع بیشتر به دلیل اندازه‌های مختلف سطوح اقتصادی این کشورها است. برای مثال برای مولداوی، اوکراین یکی از شرکای اصلی تجاری آن است که صادرات آن به اوکراین ۱۲/۲ درصد از کل صادرات مولداوی را در بر می‌گیرد و واردات آن به اوکراین ۱۹/۲ درصد از کل واردات مولداوی بوده است (گزارش عملکرد سازمان منطقه‌ای گوآم، ۱۳۸۶، ص ۳۰).

جدول شماره ۳: رتبه‌بندی کلی و جزئی کشورهای عضو گوآم در سهولت انجام کسب و کار

در سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۰۷

شاخص	کشور		جمهوری آذربایجان		گرجستان		مولدوای		اوکراین	
	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۷
شروع یک کسب و کار	۹۵	۶۴	۳۹	۱۰	۸۷	۸۱	۱۰۵	۱۰۹		
خرید و فروش با مجوز	۱۵۹	۱۵۹	۲۷	۱۱	۱۵۷	۱۵۳	۱۷۴	۱۷۴		
استخدام کارگران	۷۹	۸۰	۴	۴	۸۷	۹۲	۱۰۳	۱۰۲		
ثبت مالکیت	۵۸	۵۶	۱۸	۱۱	۴۵	۴۶	۱۳۴	۱۳۸		
اخذ اعتبار	۲۱	۲۶	۶۲	۴۸	۹۴	۹۷	۶۲	۶۸		
حمایت از سرمایه گذاران	۱۰۵	۱۰۷	۱۲۰	۳۳	۹۶	۹۸	۱۴۱	۱۴۱		
پرداخت مالیات	۱۴۲	۱۴۱	۱۰۳	۱۰۲	۱۱۹	۱۱۱	۱۷۷	۱۷۷		
تجارت در سراسر مرزها	۱۷۰	۱۷۲	۵۹	۶۴	۱۱۸	۱۲۲	۱۱۶	۱۲۰		
اجرای قراردادهای	۳۰	۳۰	۴۲	۴۲	۱۷	۱۷	۴۶	۴۶		
بسته شدن فضای کسب و کار	۷۱	۷۵	۸۷	۱۰۵	۷۸	۸۲	۱۳۹	۱۴۰		
مجموع سهولت انجام کسب و کار	۹۹	۹۶	۳۷	۱۸	۱۰۳	۹۲	۱۲۸	۱۳۹		

Source : Compiled from: Doing Business(2008), available at, www.doingbusiness.org, (accessed on 10/5/2008)

بنابراین، تجارت بین کشورهای عضو گوآم، مشخصه متمم اقتصادی میان کشورهای گوآم است. از این رو می‌توان، دست‌کم سه حوزه که به‌شکل بالقوه می‌تواند به ارائه پایه‌ای برای تعمیق و یکپارچگی اقتصادی بین کشورهای گوآم در دو دهه آینده تبدیل شود را نام برد:

۱. همکاری در زمینه عرضه انرژی: سه کشور عضو گوآم وارد کنندگان خالص نفت و گاز هستند. در سال ۲۰۰۶ اوکراین ۱۲.۶۳۳/۱ میلیون دلار واردات سوخت داشته است که بیش از ۲۸ درصد از کل واردات آن کشور بوده است. برای گرجستان این رقم ۶۹۱/۸ میلیون دلار یا ۱۸/۸ درصد از کل واردات و برای مولدوای ۶۴۳/۷۷ میلیون دلار یا ۲۳/۹ درصد از کل واردات بوده است. در همان سال جمهوری آذربایجان، صادرات منابع معدنی بالغ بر

۵.۳۹۲/۷ میلیون دلار داشته است که ۸۴/۶ درصد از کل صادرات این کشور بوده است. صادرات نفت و گاز جمهوری آذربایجان در چند سال آینده افزایش خواهد یافت.

۲. همکاری در زمینه حمل و نقل نفت دریای خزر به اروپا: این منطقه (گوآم) به عنوان نزدیک‌ترین مسیر انتقال به اروپا و یکی از جنبه‌های فعال همکاری اقتصادی میان کشورهای عضو گوآم می‌تواند باشد. این طرح، یک موقعیت ویژه برای ساخت یک خط لوله که از اودسا به پرودی و سپس به بندر گدانسک در لهستان به دریای بالتیک متصل می‌شود، را به وجود می‌آورد. تخمین زده شده است که هزینه آن ۷۰۰ میلیون دلار است. به غیر از سه کشور عضو گوآم (گرجستان، اوکراین و جمهوری آذربایجان)، لیتوانی و لهستان نیز اعلام کرده‌اند که قصد دارند برای شرکت در این طرح اقدام کنند. در نشست انرژی در ویلینوس در اکتبر ۲۰۰۷ این پنج کشور به توافق رسیدند یک شرکت با هدف توسعه طرح اودسا-پرودی-گدانسک تأسیس کنند و انجام کار را وارد فاز عملی کنند.

۳. همکاری‌های موفقیت آمیز کشورهای عضو گوآم در کوتاه مدت در سرمایه‌گذاری‌های متقابل: در این زمینه همکاری در محافل علمی مطرح نشده است. برای مثال جمهوری آذربایجان به دلیل ساخت و ساز خط لوله باکو-تفلیس-جیحان و خط لوله باکو-تفلیس-ارزروم، سقوط تدریجی در رتبه‌بندی جهانی برای سرمایه داشته است. هیچ شکی وجود ندارد که در آینده کشور جمهوری آذربایجان می‌تواند به یک کشور مازاد سرمایه تبدیل شود.

جدول شماره ۴: رتبه‌بندی کلی و جزئی کشورهای عضو گوآم در مورد آزادی اقتصادی در سال ۲۰۰۶

شاخص	کشور		جمهوری آذربایجان		گرجستان		مولداوی		اوکراین	
	رتبه	درصد آزادی	رتبه	درصد آزادی	رتبه	درصد آزادی	رتبه	درصد آزادی	رتبه	درصد آزادی
آزادی بازرگانی	۹۲	۵۸٪	۳۱	۷۸/۹٪	۵۸-۵۶	۷۰٪	۱۱۱	۵۴٪		
آزادی تجاری	۷۶	۷۶/۶٪	۹۸-۹۶	۶۱/۸٪	۴۰	۷۴/۴٪	۵۴-۵۵	۷۲/۲٪		
آزادی پولی	۸۰-۸۲	۷۶/۸٪	۷۰	۷۷/۹٪	۱۳۷	۶۸٪	۱۳۴	۶۸/۴٪		
آزادی از دولت (بخش خصوصی)	۳۴	۸۶/۶٪	۱۲	۹۱/۳٪	۸۳	۷۱/۷٪	۱۰۸	۶۱/۹٪		

آزادی مالیاتی	۵۶-۵۷	%۸۷/۲	۱۳-۱۴	%۹۴/۲	۲۸	%۹۰/۴	۳۷	۶۹/۱
حقوق مالکیت	۸۱-۱۳۸	%۳۰	۸۱-۱۳۸	%۳۰	۴۱-۷۱	%۵۰	۸۱-۱۳۸	%۳۰
آزادی سرمایه‌گذاری	۱۱۱-۱۴۸	%۳۰	۴۳-۵۱	%۶۰	-۱۴۸	%۳۰	-۱۴۸	%۳۰
آزادی مالی	۱۳۱-۱۴۳	%۳۰	۱۸-۳۷	%۷۰	۷۱-۱۰۷	%۵۰	۷۱-۱۰۷	%۵۰
آزادی در فساد	۱۳۷-۱۴۱	%۲۲	-۱۳۱	%۲۳	۹۳-۱۰۱	%۲۹	-۱۱۸	%۲۶
آزادی کار	۶۹-۷۰	%۶۵	۱	%۹۹/۹	۸۱-۸۳	%۶۱/۲	۱۱۹	۵۱/۸
مجموع آزادی اقتصادی	۱۰۷	%۵۵/۴	۳۵	%۶۸/۷	۸۱	%۵۹/۵	۱۲۵	۵۳/۳

Source : Compiled from: www.heritage.org/research/feat (2007), (accessed on 8/10/2007)

تجزیه و تحلیل

بعد از فروپاشی اتحاد شوروی، کشورهای اروپای جنوب شرقی و جنوبی واقع در این منطقه، دو مرکز قطب جهان بودند که به‌عنوان یک اولویت برای سیاست خارجی، یکپارچگی تعریف شده‌ای را در ساختارهای اروپایی و اروپا-آتلانتیک تجربه کرده بودند. در عین حال، قابلیت ساختار اروپا، اروپا-آتلانتیک به ترتیب گسترش بیشتر دایره نفوذ ارزش‌های اروپا-آتلانتیک، فرسوده شدنی نیست. بنابراین کشورهای که هنوز از این فرایندها جدا هستند، فرا خوانده می‌شوند تا این خلا را جبران کنند. دورنمای یک کشور در قالب توسعه منطقه‌ای و بیشتر در نظام روابط بین‌المللی یک بخش کاملاً مهم است که بدون آن، امکان مقابله مؤثر با مشکلات و روبرو شدن با چالش‌های خارجی، امکان ندارد. گرایش به سمت منطقه‌گرایی و تأسیس سازمان منطقه‌ای باعث می‌شود که چالش‌ها و مشکلات کشورهای منطقه کمتر شود و به موفقیت‌هایی دست یابند. بر اساس دیدگاه ژئوپلیتیک مقاومت، اوضاع سیاسی-اجتماعی جوامع اوراسیای مرکزی، ویژگی حکومت‌های منطقه، بازیگران مداخله‌گر و نیروهای اجتماعی موجود در جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز، از مهمترین مؤلفه‌های تأثیرگذاری هستند که در بازی بزرگ جدید مورد توجه قرار می‌گیرند (یزدانی و دیگران، ۱۳۸۶، ص ۱۴۲).

بعد از افتتاح سازمان منطقه‌ای گوآم، خود کشورهای عضو این سازمان قابلیت‌های خود را در این زمینه با اضافه کردن دیپلماسی چند جانبه بر پایه سیاست خارجی با هدف اجرای هر

چه مؤثرتر تقویم کاری سیاست‌های خارجی خود تشدید کردند؛ که نمایش اتحاد بین کشورهای عضو و توانایی آنها برای طراحی یک جایگاه از پیوند عملی و تداوم موقعیت آنها را که برای ارتقا و اعتبار گوآم نقش راهبردی داشت را حفظ و تقویت کرد و تصمیم گرفتند با همدیگر با چالش‌های قرن ۲۱ به صورت سیستماتیک مقابله کنند. زیرا چالش‌های جهانی که می‌تواند جنایت‌های سازمان یافته یا امنیت انرژی باشد، مرزهای ملی را نمی‌شناسد. از زمان تأسیس سازمانی برای مردم‌سالاری و توسعه اقتصادی (گوآم) کشورهای عضو سیاست منطقه‌ای خود را با محتوای جدید اصلاح کرده‌اند. افزون بر آن، اجرای برنامه‌های کاری و نظام‌های ملی خود این کشورها، این نیاز را احساس می‌کنند تا یک نظام باثبات و امنیت جدید در گستره اروپایی ایجاد کنند. این یک موضوع اصلی در گفت‌وگوهای اروپایی است و این کشورها احساس می‌کنند که باید در این گفت و گوها حضور داشته باشند. بعضی از این بخش‌ها که به صورت مستقیم به مسایل راهبردی آینده اروپا، توافقنامه‌های صلح، انرژی، حمل و نقل و مهاجرت ارتباط دارد، به صورت مستقیم با سلیقه‌ها و حلقه مسئولیت کشورهای عضو گوآم نیز ارتباط دارند. ثبات و مسئولیت، پیش‌بینی و تداوم و رقابت و پیوستگی، اصولی هستند که پایه سیاست گروهی گوآم را شکل می‌دهند (Blank, 2006, p. 373).

شاخص‌های میانگین برای کشورهای عضو گوآم منعکس کننده سطح مردم‌سالاری سیاسی بود که به تدریج از سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ که بدتر شده بود، در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ بهتر شد. پیشرفت‌های مردم‌سالار عمومی در گوآم در مدت ۳ سال گذشته مشهودتر بود، اما با بدتر شدن وضعیت با آزادی‌های مدنی و سیاسی در جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ بدتر شد. در آخرین گزارش خانه آزادی، فقط اوکراین در گزارش مخصوص سال ۲۰۰۰-۱۹۹۹ به عنوان کشور مردم‌سالارتر انتخاب شده بود. در سایر کشورهای گوآم، مقایسه دوران‌های شروع و نهایی نشان از یک نگرش منفی داشت که بیشتر در گرجستان و مولداوی ظاهر شد. با توجه به موقعیت جغرافیایی، کشورهای عضو گوآم توجه زیادی به شکل‌گیری راهرو حمل و نقل اروپا، قفقاز و آسیای مرکزی به عنوان یک عنصر محوری در اقتصاد دارند. در سال ۲۰۰۷ توافق‌نامه‌های ویژه‌ای در حمل و نقل بین‌المللی در باکو امضا شد. با هدف توسعه همکاری در زمینه‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات، مبارزه با تروریسم، جنایت‌های سازمان یافته و قاچاق مواد مخدر، زمینه‌های فرهنگی، آموزش و پرورش، موافقتنامه‌هایی امضا شده

است. اجرای این برنامه‌ها بدون شک، سازگاری اقتصادی کشورهای عضو گوآم را افزایش خواهد داد. در حقیقت موفقیت همکاری‌های اقتصادی بین کشورها در چارچوب گروه‌بندی‌های منطقه‌ای در بخش بزرگی، بر سازگاری با نظام‌های اقتصادی و تا حدودی مشارکت سیاسی آنها بستگی دارد. در کل چنین سازگاری بین کشورهای عضو گوآم وجود ندارد. زیرا همه آنها اعلام کرده‌اند ساخت و ساز اقتصادی آزاد به انتخاب راهبرد خود آنها و به پیاده‌سازی اصلاحات بازار در ۱۵ سال گذشته بستگی دارد که با تجزیه و تحلیل در زمینه حمل و نقل این تفاوت‌ها نمایان می‌شود.

در زمینه آزادی اقتصادی با توجه به جدول شماره ۴ و گزارش بانک جهانی مشاهده می‌شود که مطلوب‌ترین محیط کسب و کار در میان کشورهای عضو گوآم در گرجستان است که در رتبه ۱۱ جهان در سال ۲۰۰۷ قرار داشته است. در گزارش قبلی بانک جهانی در رتبه ۳۷ جهان بوده است. در رتبه‌بندی از کشورهای شرق اروپا و آسیای مرکزی که کشورهای عضو گوآم نیز جزو آن بوده‌اند، گرجستان بعد از استونی در رتبه ۳۹ قرار داشته است. محیط کسب و کار در گرجستان در دو پارامتر (تجارت در سراسر مرزها و بسته شدن فضای کسب و کار) بدتر بوده است که بهبود چشمگیری نسبت به بقیه پارامترها یافته است. بدترین محیط کسب و کار در میان کشورهای عضو گوآم در اوکراین بوده است که در جهان در رتبه ۱۳۹ قرار داشته است. جمهوری آذربایجان و مولداوی تا حدودی محیط کسب و کار خود را بهبود بخشیده‌اند و رتبه‌های ۹۶ و ۹۲ را در جهان داشته‌اند. به صورت کلی در ارتباط با عوامل ناکامی سازمان منطقه‌ای گوآم می‌توان این موارد را بیان کرد:

۱. تفاوت‌های فرهنگی - اجتماعی کشورهای عضو سازمان،
۲. بعضی دیدگاه‌های متفاوت کشورهای عضو سازمان نسبت به گرایش و حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند آمریکا و اروپای غربی،
۳. نگرش‌های منفی روسیه نسبت به شکل‌گیری سازمان،
۴. تفاوت‌های اقتصادی و داشتن میزان منابع متفاوت نفت و گاز در کشورهای عضو سازمان.

نتیجه

کاملاً مشهود است که وضعیت کلی در کشورهای استقلال‌یافته از اتحاد شوروی در حوزه آزادی‌های سیاسی و مدنی کاملاً نامطلوب است. در کشورهای گوآم، وضعیت کمی بهتر از

کشورهای یورسک است. ۳ کشور از ۴ کشور عضو گوآم، در طبقه‌بندی به‌نسبت آزاد با رژیم‌های سیاسی به‌نسبت استبدادی قرار گرفته‌اند، در حالی که همه ۶ کشور عضو یورسک در طبقه‌بندی در وضعیت بدون آزادی و رژیم‌های استبدادی مطلق قرار گرفته‌اند. فرق بین میانگین شاخص‌های توسعه مردم‌سالار و امتیازهای مردم‌سالاری برای گوآم و یورسک کاملاً بارز است (۱/۲۶ امتیاز). این فاصله برای فرایندهای انتخاب‌کنندگان به بیشترین حد (۲/۰۶) می‌رسد و برابر فساد به کمترین حد خود (۵/۰) می‌رسد. اما نزدیکی امتیازهای آنها در شاخص دوم (فساد) به دلیل این واقعیت است که متأسفانه همه کشورهای جدا شده از اتحاد شوروی در معرض نفوذ زیان‌بار فساد گروهی هستند. کشورهای گوآم همچنین در قالب بلوغ جامعه مدنی با امتیاز (۱/۸۶) و استقلال رسانه با امتیاز (۱/۶۵) از کشورهای یورسک جلوتر هستند.

در ارتباط با نقش و تأثیر کشورهای عضو گوآم، در منطقه ژئوپلیتیکی قفقاز در عصر جهانی شدن، همچنین با آمار و ارقام ارائه شده در جداول از سوی خانه آزادی می‌توان بیان کرد که ۳ کشور از ۴ کشور عضو گوآم، در طبقه‌بندی، به‌نسبت آزاد با رژیم‌های سیاسی به‌نسبت استبدادی قرار گرفته‌اند. مثلاً در جمهوری آذربایجان میان سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ روند آزادی‌های سیاسی و اجتماعی رو به ناگواری رفته است و از نمره ۵/۵۸ در سال ۲۰۰۰ به نمره ۶ رسیده است که افزایش دیکتاتوری و استبداد را نشان می‌دهد. بی‌تردید عوامل و معیارهایی که نیازمند برقراری روابط چند جانبه میان کشورهای عضو سازمان گوآم و روابط برون منطقه‌ای هستند، نتوانسته‌اند در این سازمان به شکل مطلوب شکل بگیرند تا نقش این سازمان در عصر جهانی نمودار شود. افزون بر آن آینده گوآم بیشتر به این بستگی دارد که آیا اعضای آن از حمایت کشورهای غربی بهره خواهند برد. در حالی که جهان غرب، معیارهای به‌نسبت مؤثری را بکار گرفته است تا نگرش کاملاً منفی روسیه را خنثی کند و سازمان‌های ایجاد شده تحت نظارت آن را بی‌ارزش جلوه دهد. بدیهی است که رهبران کشورهای عضو گوآم، اهمیت چنین رفتار نرمشی را با درجه‌های متفاوت درک کرده‌اند. مهم‌ترین هوادار نرمش، رئیس جمهور آذربایجان الهام علی‌اف است. از جمله‌های مکرر و آشکار وی این است که ایجاد گوآم و فعالیت‌های آن در مقابل سازمان کشورهای هم‌سود یا هر کشور دیگری نیست. بنابراین کشورهای قفقاز جنوبی که همواره حضور و رقابت دو ابرقدرت را در این منطقه احساس می‌کنند به دلیل عدم بکارگرفتن یک سیاست منطقه‌ای واحد نتوانسته‌اند حتی در چارچوب سازمان منطقه‌ای گوآم به یک وحدت

اقتصادی-سیاسی دست یابند. به شکلی که با ورود آمریکا به منطقه قفقاز، روسیه در مرزهای جنوبی خود بیش از هر زمان دیگر احساس عدم امنیت و تهدید می‌کند. برخورد منافع این دو قدرت فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای، کشورهای منطقه را دچار تنش خواهد کرد و به نظامی شدن بیشتر منطقه و عدم ثبات سیاسی-اقتصادی دامن خواهد زد.

منابع

الف- فارسی

۱. احمدیان، قدرت الله و طهمورث غلامی (۱۳۸۸)، «آسیای مرکزی و قفقاز عرصه تعارض منافع روسیه و غرب»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال دوم، شماره ۴، صص ۲۱-۷.
۲. امیدی، علی (۱۳۸۵)، «تأثیر ژئوپلیتیک در رخوت همگرایی اکو و بالندگی آ.سه.آن»، *ژئوپلیتیک*، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی، سال دوم، شماره اول، صص ۱۳۸-۱۲۰.
۳. پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۸۶)، *فرهنگ اصطلاحات جغرافیایی*، تهران: انتشارات انتخاب.
۴. پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۸۰)، *نگرشی ژئوپلیتیکی بر پدیده جهانی شدن، تئوری نظام‌های فضا - منطقه‌ای*، تهران: انتشارات دوره عالی جنگ.
۵. جوان، جعفر و عبدالله عبدالهی (۱۳۸۵)، «نقدی بر گفتمان جهانی شدن و تبیین گفتمان بوم-جهان»، *ژئوپلیتیک*، سال دوم، شماره دوم، صص ۸۶-۶۹.
۶. حافظ‌نیا، محمدرضا و مراد کاویانی‌راد (۱۳۸۳)، *افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی*، تهران: انتشارات سمت.
۷. عزتی، عزت‌الله (۱۳۷۸)، *جغرافیای سیاسی جهان اسلام*، قم: انتشارات واحد تدوین کتب درسی.
۸. کولایی، الهه (۱۳۸۷)، «ژئوپلیتیک انتقال نفت از قفقاز»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال اول، شماره ۱، صص ۷۵-۶۳.
۹. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)، *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*، تهران: انتشارات سمت.
۱۰. میرحیدر، دره و محمد رئوف حیدری‌فر (۱۳۸۵)، «تحول مفهوم سرزمین در عصر جهانی شدن»، *ژئوپلیتیک*، سال دوم، شماره دوم، صص ۱۵-۳.
۱۱. ولی‌قلی‌زاده، علی و رضا الله‌وردی (۱۳۸۹)، «نگرشی ژئوپلیتیک-ژئواکونومیکی بر منطقه آزاد تجاری-صنعتی ارس»، *ژئوپلیتیک*، سال ششم، شماره دوم، صص ۱۷۰-۱۶۱.
۱۲. یزدانی، عنایت‌الله و دیگران (۱۳۸۶)، «تبیین ژئوپلیتیکی رقابت قدرت، مطالعه موردی: اوراسیای مرکزی در بازی بزرگ جدید»، *ژئوپلیتیک*، سال سوم، شماره سوم، صص ۱۵۹-۱۳۸.

ب- انگلیسی

1. Blank, S.(2006), "Russia's Real Drive in the South", **Orbis**, Vol. 39, No.3, pp.369-386.
2. Gasannov, Ali(2007), **Ne Soglasen s Otchotom Organizatsii Freedom House**, Interview With Electronic Newspaper Day.az, available at: <http://www.day.az/news/politics/47591.html>, (accessed on 2/12/2011).
3. Guluzade, V.(2006), "GUAM- Alternativa SNG, Regnum News Agency", available at: www.regnum.ru/news/646903.html, (accessed on 26 /4/2010).
4. Manekin, R.(2007), "SNG-GUAM: Ispytanie Ukrainoi?" Political Expert Network, available at: <http://www.kerml.org/opinions/85607560>, (accessed on 19 /6/ 2011).
5. Muzaffarli, Nazim(2008), **Central Asia and the Caucasus, Journal of Social and Political Studies**; Guam : from a Taetieal Allianee To Strategic Partnership, , Vol. 3, No. 4, Available at: www.ca-c.org/journale.shtml, (accessed on 10/9/ 2009).
6. Sergeev, V. (2007), "GUAM Obodiot Truboi Russiu Gazeta RU", available at: http://www.gazeta.Ru/polities/2007/10/11_a_2232166.shtml, (accessed on, 11/ 10, 2011).

